

« بحث در جرایم بر ضد شرافت »

از نظر حقوق مادی

بخش اول - تعریف و تقسیم بندی

فصل دوم - اهانت

اهانت از طرفی ساده ترین و کم اهمیت ترین جرایم بشمار رفته و از طرفی پرمجاثرترین و یکی از وسیع ترین جرایم ممکن است بحساب آید !
توهین خود بخود بزه ساده ای است ولی چه مصائب و گرفتاریهایست که بخاطر همین امر بیار آمده و موجب جرم های بزرگتری گشته است.
بارها دیده شده که ادای یک جمله کوچک موجب عصبانیت طرف میگردد و او را وادار بعملیاتی از قبیل قتل و ضرب و جرح کرده است. چنین مرتکبی خود را نیز محق میدانند زیرا ولو بقیمت زندانی شدن یا از دست دادن حیات خود حاضر بتحمل آنچه برای ایشان در حکم هتک حیثیت و شرف است نیست.
در اروپا نیز سابقاً بین طبقات نجبا مرسوم بود که اهانت را با شمشیر جواب میگفتند و طرف را دعوت به دوئل می نمودند و عجب اینکه هنوز از آثار این سابقه باقی است !

چنانکه بموجب گزارش خبر گزارها در همین سالهای اخیر بعد از جنگ دوم جهانی بین دو تن از نمایندگان پارلمان فرانسه نزاع لفظی در گرفت و بالاخره طرفین در کردیدور مقابل جلسه اقدام بدوئل با رولور کردند که اتفاقاً تیر هیچکدام به هدف اصابت نکرد و طرفین با وساطت سایرین باین بازی خاتمه دادند.

تعریف اهانت :

توهین را قانون ایران معرفی نکرده است و فقط در مواد مربوط بوجود این جرم اشاره ای کرده است ولی در بعضی قوانین خارجی برای آن تعاریفی آمده است.
در انگلستان نیز نظر باینکه قوانین مدون نیست تعاریفی که علمای حقوق و مراجع رسمی میکنند برای ما مدرک خواهد بود و نظر باینکه در آنجا تعاریف افترا بطور شمول آمده بود تقریباً همان تعریف برای توهین نیز میتواند مورد مطالعه و قبول قرار گیرد و بطور خلاصه باید گفت :

« هر عبارتی که حیثیت شخص را لکه دار کند توهین نامیده میشود. »

در آلمان در سال ۱۹۱۰

در آلمان بموجب قانونی اینطور اشعار شده است که « شرافت ارز و قیمت شخص را تعیین میکنند . و فحش و توهین شرافت را لکه دار میکند .
در ایتالیا

در این کشور جرائم برضد شرافت را به هتک حرمت در حضور شخص و در غیاب او تقسیم میکنند . هتک حرمت در غیاب تقریباً برابر با افترا و در حضور برابر با توهین است .
در فرانسه - ماده ۲۹ قانون مطبوعات الفاظ و هن آور که متضمن اسناد یک امر معین نبوده و مبنی بر تحقیر و فحش باشد توهین نامیده میشود .

این ماده پس از نسخ قوانین سابق بعنوان جلوگیری از سوء استفاده از آزادی کلام و مطبوعات وضع گردیده است .

تقسیمات اهانت :

برای اهانت دو نوع تقسیم بندی میتوان قائل شد - یکی از نظر نفس اهانت که بلفظی و عملی تقسیم میشود چنانکه در خارجه اینچنین تقسیم کرده اند و یکی از لحاظ ارزش حقوقی آن که با اهانت ساده و اهانت بمقامات رسمی تقسیم میشود .

اول - اهانت ساده .

این نوع اهانت به اهانت شفاهی و عملی و کتبی تقسیم میگردد در قانون چنین تفکیکی دیده نمیشود ولی ما از روی آنچه که از قوانین و مواد آن بنظر میرسد چنین تقسیمی را قائل میشویم همانطور که در کمیت حقوق خارجی قائل شده اند و گاهی در متن قوانین نیز بان اشاره کرده اند .

چنانکه قانون آلمان برای توهین لفظی مجازات جریمه نقدی و زندان تائیکسال تعیین کرده و در صورتیکه نسبت به بدن انسان مرتکب اهانتی شوند این مجازات حبس تا دو سال ترقی میکند .

در قانون انگلستان توهین مانند افترا بشفاهی و کتبی تقسیم شده و مجازات جنبه ای را همان توهین کتبی تنها دارد و شاکی از اهانت شفاهی فقط میتواند مطالبه ضرر و زیان خود را بکند آنهم باید ضرر و زیان مخصوصی ثابت شود .

اهانت کتبی بوسیله نوشته خطی یا چاپی و کشیدن تصویرها و کاریکاتورها و کلامها ممکن است بعمل آمد و اهانت شفاهی بصورت نطق خواهد بود .

بعضی در اینباره آنقدر دقیق شده اند که درباره توهین بوسیله صفحه گرامافون بحث کرده اند که شفاهی است یا غیر شفاهی !

البته اهمیت آن از همان نظر است که در صورت شفاهی بودن تعقیب جزائی نخواهد داشت و یکی از علمای انگلستان جنبه جزائی توهین را بعنوان اهانت غیر شفاهی چنین توصیف کرده است :

« عرضه نمودن اوراق چاپی یا خطی یا تصویر یا علامات و غیره و تحریک عداوت یا نفرت یا خنده یا استهزاء عموم بدین وسیله بمنظور خراب کردن حیثیت شخص زنده یا مرده »

بحث در جرایم بر ضد شرافت

قانون ایتالیا نیز اهانت را مانند افترا بتوهین در حضور شخص و در غیاب تقسیم نموده و برای اولی شش ماه حبس و پنج هزار لیره جریمه نقدی و در غیاب او بحبس تا یکسال و ده هزار لیره جریمه محکوم مینماید.

نکته‌ای را که در اینجا بهتر است متذکر شده که این تعاریف و تقسیم بندی را ما برای تنظیم مقررات مورخان قائل میشویم تا مواد و عبارات قانون ایران روشن شده و با قوانین خارجی تطبیق گردد و گر نه بطوریکه ملاحظه شده است در هر کشوری جرایم بر ضد شرافت یکنوع تقسیم بندی دارد چنانکه در انگلستان من حیث المجموع بشفاهی و کتبی و در ایتالیا بحضوری و غیابی و در آلمان بلفظی و عملی منقسم گشته است و ما هم بموجب مستنبط از قانون ایران آنرا بافترا و اهانت و جعل اکاذیب تقسیم کرده ایم.

اما توهین در قانون ایران با اینکه در فصل چهاردهم آنرا بعنوان افترا و توهین و هتک حرمت معین کرده فقط در ماده ۲۷۲ باین طریق بتوهین اشاره کرده است :

« هر کس نظماً و نثراً کسی را هجو کند و آنرا منتشر نماید بحبس تأدیبی از هشت روز الی یکماه یا بتأدیه غرامتی از شش الی پنجاه تومان محکوم میشود . »

بموجب ماده ۲۷۶ جزء امور خلافی قلمداد شده از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیکه که بوزارت کشور اجازه میدهد آئین نامه‌ای در این مورد تنظیم نماید تا پس از تصویب وزارت دادگستری بموقع اجراء درآید و آئین نامه امور خلافی نیز در شق دهم ماده سوم کیفر توهین را از یکروز حبس یا ۲۰ تا ۵۰ ریال جریمه نقدی قرار داده است.

توهین شفاهی بوسیله اظهارات و نطق و امثال آنها بعمل میآید و توهین کتبی بوسیله مراسلات و اعلانات و یا بالاخره توسط مطبوعات است که ابتداء در قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۴ هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد را تا هنگامیکه مرتکب از ثبوت عاجز باشد بر حسب سیاست دانسته و در ماده ۳۷ غرامت نقدی و توقیف روزنامه پیش بینی شده و در ماده ۳۸ نوشتن فحش و الفاظ قبیحه را ممنوع نموده است.

پس از تحولاتی که در مجازات این جرم پیدا شد بالاخره بموجب لایحه قانونی مطبوعات که بموجب اختیارات جناب آقای دکتر مصدق مصوب ۱۱ آذر ۱۳۳۱ در ماده ۳۴ مرتکب اهانت اشخاص را اعم از ساده و رسمی بدو تا شش ماه، حبس تأدیبی و غرامت نقدی محکوم نموده است.

اهانت شفاهی همان نطق و اظهارات معمولی است و الفاظ و گاه کلماتی است که موجب خشم و ناراحتی و کسر اعتبار طرف که متأسفانه در بعضی طبقات مردم این کشور بصورت عادی درآمده و در بعضی موارد و محافل جزء لاینجزای کلام قرار گرفته است !

دوم اهانت بمقام رسمی :

تقسیم بندی عمده و آنچه که از نظر حقوقی اهمیت خواهد داشت بحث درباره تفاوت توهین ساده است با توهین بیک مقام رسمی.

بخت در جرایم بر ضد شرافت

مثلاً توهین یک کارمند اداره برئیس خود طبیعی است که این توهین با یک بدگوئی و ناسزا بیک فرد عادی تفاوت خواهد داشت زیرا هتک احترام یک شخصیت رسمی بهنگام انجام خدمت و بمناسبت کار او مضر بحال اجتماع بوده و باعث جریحه دار شدن نظم عمومی است و در صورتیکه عکس العمل قانونی نداشته باشد آن مرجع تضعیف خواهد گشت.

مثلاً اگر یک دادستان در ملاء عام مورد ناسزا و اهانت یک ارباب رجوع قرار بگیرد چگونه دادگستری آن شهرستان خواهد توانست در آن شهر اعمال قدرت نماید.

حال بتشریح و تقسیم بندی این توهین میپردازیم :

اهانت یا بیک مقام معنوی است از قبیل مذهب یا تشکیلات و یا اهانت باشخص رسمی.

اول - اهانت بصاحبان مقامات رسمی.

توهین بیک مقام را بدو نوع میتوان تقسیم کرد :

الف - اهانت از طرف یک فرد عادی بیک مقام رسمی.

ب - اهانت در دوایر رسمی.

حال بشرح آنها میپردازیم.

الف - اهانت از طرف یک فرد عادی بیک مقام رسمی.

این نوع هتک احترام را بر حسب درجه اهمیت و بر حسب آنچه در قوانین ایران از آنها ذکر شده باین طریق میتوان بر شمرد.

اهانت بشخصیت اول کشور.

اهانت بمرجع تقلید اول مذهب و سایر مراجع.

اهانت برؤسا و نمایندگان سیاسی خارجه.

اهانت به هیئت وزیران و وزراء.

اهانت بنمایندگان ملت.

اهانت بقضات محاکم.

اهانت بمسورین انتظامی.

اهانت بکارمندان دولت.

اهانت بمقام سلطنت :

قانون مجازات عمومی این مورد را در ماده ۸۱ اشاره کرده است که هر کس بهر نحو از انحاء توهین نماید از سه ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

مدت حبسی که برای مرتکب این جرم مقرر شده شاید در مقایسه با قواعد زمان استبداد بسیار ناچیز بنظر برسد در آن اوقات که سلطان فعال مایشاء بوده حتی بیگناهی را متهم به اهانت کرده و کوچکترین مکافات آن مرگ یا شکنجه های مخوف بود این تخفیف از مظاهر عالی دموکراسی است مخصوصاً باید توجه داشت اهانت اغلب از روی تحریک احساسات صورت گرفته و مخصوصاً جرایمی که با جریان سیاست مخلوط گشته و لوجزه جرائم سیاسی هم نباشد نباید همیشه آنرا با دشمنی و تضعیف قدرت اشتباه نمود.

در ماده ۲۰ لایحه قانونی مطبوعات نیز مقرر شده که هر کس بوسیله روزنامه

بحث در جرایم بر ضد شرافت

یا مجله بمقام سلطنت یا شخص شاه توهین کند بمجازات مندرج در بند ۱ ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد.

موضوعاتی که در ایران از طرف سحاکم مطرح شد آنستکه بین اهانت بمقام سلطنت و اهانت بشخص پادشاه تفکیک قائل شدند و بهمین جهت قانون مطبوعات هر دورا ذکر کرده است.

اهانت بشخصیت اول روحانی.

این موضوع در قوانین ایران سابقه ای نداشت تا وضع لایحه قانونی مصوب

اسفند ۱۳۳۱.

پیش از تدوین وقوانین جزائی تقریباً اغلب قواعد حقوقی ماجنبه عرفی داشت اسائه ادب نسبت بمرجع درجه اول تقریباً با مرگ قرین بود. اعتقاد شدید مذهبی اهالی یک محل یا یک شهر خود یک قانون بشمار میرفت مخصوصاً این حس مقابله با مرتکب اهانت از طرف آنها که خودرا از واپستگان بان مقام مینمودند تقویت میگردد.

پس از وضع قوانین ماده مربوطه ای دیده نشد شاید علت آن این بود که کمتر چنین عملی بوقوع می پیوست.

ولی دراواخر سال ۱۳۳۱ بر اثر پاره ای مسائل سیاسی پیش آمدهائی در اینخصوص بوقوع پیوست که چون نخست وزیر اختیارات قانونی داشت قانونی تنظیم گشت که در صورت اهانت از طرف روزنامه نسبت بشخصیت اول روحانی و سایر مراجع مرتکب حداکثر تا یکسال حبس تأدیبی مجازات خواهد داشت.

البته فراموش نباید کرد که اجرای این ماده یک بحث ایجاد میکند زیرا اگر منظور از سایر مراجع تقلید کلیه مراجع مذهبی باشد باتوجه باینکه مراجع تقلید در مذهب شیعه محدود نیست عمل بان چگونه خواهد بود و شخصیت اول روحانی چنانکه میدانیم در مذهب شیعه مانند مذهب سنت و جماعت یک مقام رسمی کشور نیست بلکه در هر زمان عملاً یکی از اعظم علماء مرجع تقلید عامه قرار میگیرد.

ولی بهر حال امروز تشخیص آن تقریباً بی اشکال شده است.

اهانت بر رئیس کشور خارجی :

روابط بین المللی ایجاب کرده است که دول احترامات یکدیگر را نگهدارند و چون هر کشوری رئیس خودرا نماینده اقتدار خود میداند. بدیهی است که اهانت باو لطمه ای بکشور بحساب میآید.

و چون هر دولتی مایل است که از این تعرض مصون بماند خود آنرا رعایت میکنند در قانون مجازات بند دوم ماده ۸۱ اهانت بشخصیت اول یا نماینده سیاسی کشورهای خارج را ممنوع نموده و تا دو سال حبس تأدیبی معین مینماید ولی مشروط بانست که در کشور دیگر نیز معامله متقابل شود و البته علت آن این است که سطح شدت و ضعف مجازاتها در کشور متفاوت است.

بحث در جرایم بر ضد شرافت

در لایحه قانونی مطبوعات ماده ۳۲ این موضوع را متذکر شده و مجازات آنرا همان بند دوم ماده ۸۱ قرار داده است و شرط معامله متقابل را گنجانده است.

اهانت بکارمندان دولت :

همانطور که اشاره رفته است علت اهمیت دادن باهانت بمستخدمین دولت همان است که قدرت اداری آنان با توهین متزلزل خواهد گشت و باین جهت نمیتوان بدلائلی که موجب تخفیف مجازات اهانت ساده شده است متمسک شد لذا ماده ۱۶۲ اهانت یکی از کارمندان دولت بسبب انجام وظیفه موجب حبس تأدیبی از هشت روز تا یک سال میشود.

مستخدمین اداری مجلس شورای ملی را نیز در همین ردیف قرار داده است (ماده ۱۶۳).

با دقتی که قانون در نام بردن از صاحبان مشاغل مختلف در این ماده کرده است معهذای از صاحب منصبان عمومی ظاهراً مشمول این ماده نمیگردند.

مثل مستخدمین شهرداریها یا بانکهای ملی و شرکتهای ملی و چون قوانین جزائی را باید حسب ظاهر لغت و بدون تفسیر بکار برد نمیتوان آنها را مشمول نمود.

ولی البته قاعده منطقی آنست که آنها را هم بهمین حساب بیاوریم زیرا آنان نیز حافظ و ناظر اموال عمومی بوده و در راه بهبود وضع اجتماع انجام وظیفه میکنند.

دقتیکه ما در این موضوع میکنیم بعلت آنست که در ماده ۱۶۲ توهین باعضاء انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی را نیز موجب مجازات هشت روز تا شش ماه دانسته اند.

ماده ۱۶۲ اعضاء دیوان محاسبات را نیز ذکر کرده و همان مجازات را برایش قائل شده ولی در مورد وزیر و معاون مجازات بالا رفته و بحبس تأدیبی سه ماه تا یکسال رسیده است.

در مورد اعضاء هیئت منصفه و مصدقین محاکم تجارتنی نیز ماده ۱۶۴ توهین بآنانرا منع مینماید و حبس یکماه تا یکسال برای مرتکب آن معین نموده است.

موضوع قابل بحث دیگر آنکه اگر کسی که سابقاً کارمند دولت بوده بسبب انجام وظیفه ای که کرده مورد اهانت قرار گیرد میتواند از این قانون استفاده کند یا نه چون قانون اهانت را چه در حین اجرای خدمت و چه بسبب آن ممنوع کرده لذا مانعی بر او نیست ولی ممکن است گفته شود که چون این ماده با عبارت «هر کس که مستخدم دولت...» شروع میشود لذا او در اینموقع مستخدم دولت نیست و نمیتواند از این حق استفاده کند.

اهانت به قضات و محاکم

اهمیت و شأن مقام قضات ایجاب میکند که مدت بیشتری برای او نسبت بسایر مستخدمین عمومی قائل شد لذا ماده ۱۶۲ توهین باعضاء محاکم دادگستری و یا محاکم اداری را موجب برای حبس تأدیبی از یکماه تا دو سال نموده است و شرط آنرا اهانت در حال انعقاد جلسه محاکمه دانسته است.

بحث در جرایم بر ضد شرافت

نکته قابل بحث طبقه بندی کارمندان قضائی است که بایستاده و نشسته تقسیم میشوند و چون در این ماده صریحاً ذکر از اعضاء محاکم شده ظاهراً همان قضات نشسته منظور است مخصوصاً که محاکم اداری نیز در همین ردیف آورده است و با توجه باینکه اعضاء محاکم اداری از کارمندان وزارت دادگستری نیستند لذا ظاهراً میرساند که منظور از هر کسیکه درمسند رفیع قضاوت قرار گرفته باشد و قانون علاوه بر اعضاء محکمه اهانت بشخصیت دادگاه را نیز منتزع از اعضاء آن و جرم دانسته و همان مجازات را برای متخلف منظور نموده است.

اهانت بمأمورین انتظامی

ماده ۲۳۱ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب دیماه ۱۳۱۸ مقرر میدارد :

« هر کس که نسبت به نگهبان سوار یا پیاده با شاره یا حرف یا تهدید اهانت وارد آورد بر حسب مورد محکوم بحبس عادی از یکماه تا یکسال خواهد بود » درمقایسه این ماده با ماده ۱۶۲ این نتیجه بدست میآید که اهانت بیک افسر حین انجام وظیفه مانند سایر موارد اهانت بمستخدمین دولت تلقی گردیده و نباید توهین کننده را بدادگاه های نظامی جلب کرد مگر آنکه آن افسر سمت نگهبانی در آن موقع داشته باشد.

اهانت بنمایندگان در ماده ۱۶۲ اینطور آمده است :

« هر کس بیکی از طرق مذکوره در ماده قبل نسبت بنمایندگان ملت توهین نماید بحبس تأدیبی از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد، باید در اینجا مطالعه کرد که منظور از نمایندگان ملت مجموعه آنان است یا فرد فرد و کلاه آیا قانون خواسته است باین وسیله شأن هیئت مقننه را بطور کلی محفوظ بدارد ؟ همچنین در ماه ۱۶۲ رؤسا و اعضاء انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی را نیز از این نظر مورد حمایت قرار داده .

اهانت در دوائر رسمی از طرف مأمورین رسمی .

در این مورد باید دانست که اگر اهانت کننده و شخص مورد اهانت در یک رتبه و ردیف باشند شاید موضوع اهمیت زیادی پیدا نکند ولی نظم عمومی یک بنگاه یا یک اداره واقعاً مختل میشود که از طرف یک مأمور اداره نسبت به مافوق خود در حین اجرای خلست اهانت شود .

در این مورد قانون مجازات عمومی کاملاً روشن نیست و باید بهمان مقررات ماده ۱۶۲ اکتفا کرد ولی در قوانین نظامی مقرراتی است و در ماده ۳۳۴ قانون دادرسی و کیفر مقرر داشته است که :

« هر نظامی نسبت بمافوق خود اهانت کند بر حسب مورد باخراج از خدمت و از شش ماه تا سه سال حبس عادی یا یکی از این دو کیفر محکوم میگردد . »

بحث در جرایم بر ضد شرافت

در این ماده ذکر شده که اهانت باید واضح و صریح باشد پس مافوق نمیتواند مدعی شود که آن فرد مادون با عبارات غیر صریحی می‌خواسته او را تخفیف کرده باشد. در این ماده شرطی نیز ذکر شده و آن این است که اهانت کننده باتهیه و تصمیم اهانت وارد آورد.

در آخر ماده نیز اشاره شده که اگر اهانت بسبب یا در حین اجرای خدمت نباشد حبس انضباطی است.

سوم - اهانت در روابط بین‌المللی

اهانت بیک کشور خارجی یکی از عواملی است که موجب کدورت روابط دو کشور گشته و در حقوق بین‌المللی نیز جزء مسائلی که اختلافات ناشی از آن می‌گردد آمده است. هتک حیثیت و حرمت یک کشور گاه در ضمن مقالات مطبوعات یا فیلمهای سینما یا سخنرانیهای رسمی در یک کشور دیگر دیده میشود که مطالب آن هتک حرمت تلقی میگردد. در حقوق بین‌المللی هنوز مواردی که کاملاً اهانت تلقی گردد مشخص نشده و تشخیص آن با نماینده سیاسی دولت مورد بحث است.

برای مثال میتوان اهانت بافتخارات تاریخی. نژاد - اهالی یک کشور خصایص ملی آنها از مصادیق آن شمرد در این مورد اغلب ارسال یادداشت میشود که در آن توقیف و ضبط فیلم یا کتاب یا روزنامه مندرج است.

چهارم - اهانت بمذهب

شاید مهمترین اهانت در ازمنه سابق اهانت بمذهب رسمی یک کشور بود که اغلب از توهین بشخص سلطان نیز بیشتر مکافات داشت.

در ماده ۱۸ لایحه قانونی مطبوعات مصوب آذر ۳۳ مقرر شده است که :

« هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد سه ماه تا سه سال حبس محکوم میگردد. »

ممکن است در موقع طرح چنین دعوائی از طرف مدافع اظهار شود که بفرض اهانتی هم شده باشد مشمول این ماده نخواهد بود و استدلال مدافع روی این نکته باشد که اهانت از موارد و انواع « مقاله مضره » نیست زیرا مقالات مضره عبارت است از مقالاتی که در مخالفت با اصول و فروع و احکام آن شده باشد نه اهانت ولی امروزه تصور نمیشود چنین عقیده‌ای قبول گردد.

در دوره اسکولاستیک در اروپا اصلاً امکان اینکه بتوان کوچکترین اهانتی نسبت بمذهب را تحمل کرد نبود ولی کم کم بر اثر پیدایش فرق مختلف و حملاتی که بیکدیگر میکردند این موضوع مطرح گشت و بین توهین بمذهب و انتقاد و اظهار عقیده تفکیک شد ولی البته درجه آن در کشورها تفاوت داشت.

مثلاً در انگلستان که آزادی عقیده بیشتری وجود داشت در قرن نوزدهم یکی از قضات نظریه قانون را نسبت به توهین بمذهب اینطور بیان کرده است.

بحث در جرائم بر ضد شرافت

« هر کس تعلیمات مذهب مسیح را مورد استهزاء و بی احترامی قرار دهد مجرم است ولی کسی که با متانت و احترام اصول مذهب مزبور را مورد بحث قرار داده و نسبت بدرستی آن بحث کند جرمی مرتکب نشده است . »

پنجم - اهانت باقلیت‌های نژادی و مذهبی

در لایحه قانونی مطبوعات ۳۳ این موضوع در ماده ۲۷ منعکس شده باین مضمون :

« هر کس بوسیله مطبوعات باقلیت‌های مذهبی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف یا بغض و کینه میان سکنه ممالک اهانت نماید یا آنان را بایجاد دشمنی و نفاق نژادی و مذهبی تحریص کند به یکماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت پانصد تا پنجهزار ریال غرامت محکوم خواهد شد . »

چنانکه دیده میشود آنچه بان در این ماده تکیه شده داشتن نظر سوء برای تولید دشمنی و نفاق است این ماده مسلماً دارای آثار بسیاری است زیرا در کشور ایران چون مذهب رسمی بوده و اقلیت‌ها از بسیاری از حقوق اجتماعی مثل نیل بمقام وزارت و معاونت و قضاوت محرومند لااقل بهتر است قانون از آنها طوری حمایت کند که بتوانند با دلگرمی بکار مشغول بوده و وفاداری خود را نسبت بمیهن حفظ کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی